

ملک الشعراء بهار

برو کار می کن، مگو چیست کار
که سرمایه ی جاودانی است کار
نگر تا که دهقان دانا چه گفت
به فرزندگان چون همی خواست خفت
که میراث خود را بدارید دوست
که گنجی ز پیشینیان اندر اوست
من آن را ندانستم اندر جاست
پژوهیدن و یافتن، با شماسست
چو شد مهر مه، کشتگه بر کنید
همه جای آن زیر و بالا کنید
نمانید ناکنده جایی ز باغ
بگیرید از آن گنج هر جا سراغ
پدر مُرد و پوران به امید گنج
به کاویدن دشت بردند رنج
به گاو آهن و بیل کردند زود
هم اینجا، هم آنجا، هر جا که بود
قضا را در آن سال، از آن خوب شخم
ز هر تخم برخاست هفتاد تخم
نشد گنج پیدا ولی رنجشان
چنان چون پدر گفت، شد گنجشان



- * محمد تقی بهار پرآوازه به ملک الشعراء بهار، سراینده، سخن دان، سیاستمدار و روزنامه نگار، یکی از برجسته ترین آزادیخواهان ایران است. او در سال ۱۲۶۳ خورشیدی، در سناباد (مشهد) چشم به جهان گشود.
- زندگی ملک الشعراء بهار با فراز و نشیب های بسیار همراه بوده است.
 - او آموزشهای دبستانی خود را نزد پدرش، ملک الشعراء صبوری آغازید.
 - سپس برای آموختن زبان عربی و آموزش های بیشتر نزد ادیب نیشابوری رفت.
 - پس از درگذشت پدر، در زمان مظفرالدین شاه قاجار، ملک الشعراء دربار شد.
 - وی در شش دوره به نمایندگی گزینستان (مجلس شورا) برگزیده شد.
 - سال ها در دانشسرای عالی و در دانشکده ی ادبیات، استاذ بخش دکترا در رشته ی ادبساار (ادبیات) بود.
 - از برای پیوستن به مشروطه خواهان و آزادیخواهان چندین بار زندانی شد.
 - سال های زندان از پر سودترین سال های ادبی او به شمار می روند.

* مادرش، دختر یکی از خانواده های **گرچی** بود که در زمان **عباس میرزا** به ایران آمده بودند. این بانو مانند همسرش از سروده و سرایندگی و دانش بهره داشت.

گویند پدرش نوشته های **الکساندر دوما** نویسنده ی فرانسوی را به پارسی گردانده و آنها را پخش کرده بود. پدرش نوشته های برگردانده شده را به خانه. می آورده و برای فرزندانش می خوانده و چون خسته می شده، مادرش دنباله ی خواندن را می گرفته است.

- **بهار** در شش سالگی نوشته های پارسی و قرآن را به خوبی می خوانده است. او هفت ساله بوده که نزد پدر خواندن شاهنامه را می آغازد. در همین زمان بوده که نخستین سروده ی خود را می سُراید. **مرگ ناصرالدین شاه** و روی کار آمدن **مظفرالدین شاه قاجار** دگرگونی های چشمگیری در سرزمین پدید آورد. در آن هنگام **محمدتقی بهار** پانزده ساله بود. در بیست سالگی به گروه مشروطه خواهان پیوست. پیوستن به مشروطه خواهان پایه و مایه ی آشنایی او با دیگر سرایندگان و نویسندگان و آزادی خواهانی مانند **میرزاده عشقی** می شود.

- **میرزاده عشقی** و **بهار** در سال ۱۳۰۳، به هنگام نخست وزیری **رضا خان**، مثنوی جمهوری نامه را با هم می سُرایند و در آن ناسازگاری خویش را با جمهوری رضا خان نشان می دهند.

* **حزب دموکرات** در سال ۱۳۲۸ خورشیدی روزنامه ای بیرون می داد که نشانگر اندیشه های آن حزب بود. آن ها از اینکه روس ها بر بسیاری کارها چنگ انداخته بودند ناخشنود بوده و بی پروا آن را می نوشتند. این روزنامه به دستور کاردار روس بسته شد. - پس از آن **بهار** فوری روزنامه ی دیگری را چاپ و پخش کرد که این روزنامه هم به دستور **وثوق الدوله** که در آن هنگام وزیر امور خارجه بود بسته شد و **بهار** دستگیر و به **تهران** فرستاده شد.

* **ملک الشعراء بهار** در سال ۱۲۹۳ خورشیدی خود را، از بخش درگز، سرخس و کلات، نامزد کرد تا به گزینستان (مجلس شورا) راه یابد. ولی بسیاری، از آن میان **سید حسن مدرس**، با این نامزدی سرناسازگاری برداشتند. ولی سرانجام بهار با ۴۴ رای همسو در برابر ۲۵ رای ناهمسو، برگزیده شد.

* در همان سال **ملک الشعراء** برای بار سوم روزنامه ی **نوبهار** را در **تهران** به چاپ رسانید که در آن جدا از خود **بهار**، فرهیختگانی مانند **عباس اقبال آشتیانی**، **رشید یاسمی**، **سعید نفیسی** و **تیمورتاش** با نوشته های دلنشین خود، از همکاری با آن روزنامه دریغ نکردند.

* **بهار** چندین بار به نمایندگی گزینستان برگزیده شد. در گزینستان چهارم ناخشنودی خویش را از پیمان نامه ای که میان دولت تازه برپا شده ی **اتحاد شوروی** و **ایران** نوشته شده بود نشان داد و آن را به سود ایران دانست و برای ویراستاری آن خواهان گفتگوی بیشتر با دولت شوروی شد که پذیرفته نشد و دیگر نمایندگان گزینستان به آن رای دادند.

- سال ۱۳۲۴ خورشیدی بود که **بهار** در رسانه ی پیام نو در باره ی لنین و استالین نوشت:
«..... باید دانست که ایجاد دولتی تازه و توسعه آن به طوری که اصول دموکراسی کاملاً پیشرفت کند و حقوق و وظایف میلیون ها مردم توسعه یابد بالطبع بدون مبارزه بی رحمانه و ... است»

..... اصول بزرگ ایدئولوژی **لنین** و **استالین** که بر تساوی تمام نژادها و ملل و دوستی اقوام مبتنی است پایه و اساس سیاست **لنین** و **استالین** را تشکیل داده، ترقی عظیم فرهنگی **ملت های جماهیر شوروی** را تأمین نمود. این ملل را دولت **شوروی** در امر بزرگ بنای جامعه نو سوسیالیست شریک ساخت. همین اصول، بنیاد و پایه ی سازمان های اتحاد شوروی و فدراسیون سوسیالیست شوروی بوده است....»

* **محمد کلین** که زندگی **ملک الشعراء بهار** را بررسی کرده می نویسد: **محمد تقی بهار** در سال های پایان زندگی خود به بیماری ششمار (سیل ریوی) دچار شده بوده است. او در سال ۱۳۲۶ برای درمان به **سوئیس** می رود که گویا سودی نمی بخشد و به **تهران** بازمی گردد. سرانجام روز یکم اردیبهشت سال ۱۳۳۰ در خانه ی خود در خیابان **تخت جمشید**، چشم از جهان خاکی فرو می بندد.
آرامگاه او در گورستان ظهیرالدوله است که در آنجا به خواب همیشگی فرو رفته است.



* دختر بزرگ بهار، ماه ملک بهار از روزها پایانی زندگی پدرش که سخن می گوید و یادآور می شود:
 « پدرم در سال های آخر عمر سخت منزوی و گوشه نشین شده بود. همیشه خسته و کوفته بود و از آن همه شور و نشاط و هیاهوی درونی خبری نبود و غالباً در بستر افتاده بود و پیوسته تب سل او را می سوزانید.»

* نخستین باری که محمد تقی بهار همسری برگزید در سیناباد (مشهد) بود. میوه ی این زناشویی فرزندی بود که، هم آن فرزند و هم مادرش زندگی بسیار کوتاهی داشتند.
 - بهار پس آمدن به تهران و جاگیر شدن در این شهر، در سال ۱۲۹۸ خورشیدی، شاهزاده خانم سودابه صفدری را به همسری برگزید. این بانو از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود. سودابه بانو، زنی بود کاردار و پرتوان که همه ی کارهای خانه و زندگی بر گردن او بود. از این زناشویی چند فرزند چشم به جهان گشودند به نام های هوشنگ - ملک - ماه ملک - ملک دخت - پروانه - مهرداد و چهرزاد.
 - سودابه بانو در ماه اُمرداد سال ۱۳۵۸ در گذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شده است.

* پایه و جایگاه سرایندگی ملک الشعراء بهار و نیز ورزیدگی او در سُرایندگی به اندازه ای بود که آنانی که بر او رشک می بردند، آن سروده ها را از آن پدرش می دانستند.
 - بهار مهین ترین سروده های خود را در دیوانی گردآوری کرده بود. جلال متینی گفته ی بهار را بازگو می کند که گفته بوده می

خواسته بار دیگر به ویراستاری آن سروده ها بپردازد و در دیوانی آنها را به چاپ برساند. برای انجام اینکار از وزارت فرهنگ خواسته بوده که دو تن از کسانی که با سروده و سرایندهی آنها آشنایی دارند، را به او بشناسانند تا برای پاک نویسی آن سروده ها دستی زیر بالش کنند. ولی این درخواست هرگز پاسخی دریافت نکرد.

- دیوان اشعار - سبک شناسی - تاریخ احزاب سیاسی - تصحیح برخی از متون کهن مانند تاریخ بلعمی - تاریخ سیستان و مجمل التواریخ و القصص از شناخته شده ترین بازمانده های ملک الشعراء بهار هستند.

گردآورنده : ژاله دفتریان

آذرماه ۲۵۸۰ ایرانی

دسامبر ۲۰۲۱ ترسایی